

را از بنای آن منصرف سازد. هم اکنون بوبت انبار بچار تخانه میرسد
 انبار بازرگانی که روسها در زمان محمد شاه سال ۱۲۶۲ بموجب
 پیمان ترکمنچای بهرج خود در بندر جز ساخته بودند در اوایل ۱۲۶۷
 آتش گرفت البته روسها در صدد ساختن مجدد آن بر آمدند امیر موافقت
 کرده تصمیم میگردد که اگر هم بنا باشد تجدید بنا کنند چنانچه تخریح دولت
 ایران باشد که پس از ساختن بروسها اجاره دهند و زمینها را طوری آماده
 میکند که «چریانف» کنسول روسیه در اسر آباد در آن باب «محمدولخان»
 در ۳ صفر ۱۲۶۷ مینویسد

«از قراری که معلوم میشود بعضی از اهالی چر و مسخرین آنچه در
 باب ساخته شدن انباری که از اول معاملات و تجارت کامبایا در کنار جز
 ساخته و درین عرض مدت در تصرف اسان بوده و این اوقات سورت احتراق
 یافته بود مانع میشوند و مردم را از بردن چوب و بنخته منع میکنند و ای
 گذارند که چوب آلات بفروشند. ازین ضرر و خلوص و زرس و حقوقها که
 مردم داده و میدهند و عاقبت کار بجائی رسید که «بچار جرأت معاملات می
 میکنند و نه مکاری قدرت عمل و عمل مال التجاره از کاره دارند و این معنی
 که منافعی مراسم اتحاد دولتین بهترین است موجب سد طریق تجارت و باعث
 ضروریان رعایای طرفین نخواهد آمد و مردم از داد و ستد و کسب و هشت
 باز خواهد ماند. لهذا رحمت میدهند که در عالم اتحاد و موالات دولتین
 تعیینین قدغن در نمایند که کسی در باب ساخته شدن همین مکباب امارسوختا
 چوب فروش و بفرای را مانع نشده گذارند که ساخته کمانی الساق در
 دست داشته باشند و بطریق اول مشغول تجارت خود گردند»

البته این دستورات نامر امیر برده است که میخواهد در دولت ایران
 رسماً تصدیق بنا را به پهنه گیرد بلکه رسیده اعمال نمود دیگری شود با جهت
 رسماً بوسیله میرزا محمد علیخان سمرادزی ایست و رازت دور شاه چر پرنس
 دالغور و کی ابلاغ بدینماهد (صفر ۱۲۶۷) در دولت علیه از آن دولت دارد
 انبار که پنج سال قبل از این بهرج بچار که ای روس در آن ساخته
 شد بود و این روزها آتش گرفته سرشته است بهرج «...»

۱ - بشارت دیگری که امیر بهرج میدهد است که «...»
 زمین را طوری بر اعم میسازد که فتح باب مسا از سه شکافته در برده و در آنجا
 طرفت شود و او عراب بدین «...»

پرس دالتوروی کی موافقت خود را رسماً اعلام میدارد و آنرا موقوف بدو شرط
 قرار میدهد . شرط اول انبار مذکور هر چه زودتر بطوری ساخته شود که
 محصول حاصل آب درینصورت معلوم است بنظارت عالیجه قونسول و تجار
 کمپانی باید ساخته شود . شرط دوم ، تجار کمپانی برای ساختن انبار واسباب
 و مصالح جمع کرده ، آب مهدیعلی میرزا حرج آنرا بدهد زیرا که در راه
 بودیت این خرج را کرده اند و خواسته اند که خرج بی فایده را از دولت طلبه
 رفع نمایند .»

شرط اول که چیر مهمی نیست گویا اینکه « قونسول دولت روس نظارت
 کند یعنی بگوید چگونه بنائی لازم دارند بپندان قابل گفتگو نیست ولی
 بوم یکسوخ زرنگی و مهارت و دیپلماسی است که وزیر مختار میخواهد
 دانی را که دولت ایران میسازد چنان وانمود کند که مهدیعلی میرزا هر سه آنرا از
 دست خود میخواهد بردارد و از راه دوستی خواسته است خرج بیفایده ای
 از دولت ایران دفع کند و مهارت دیگر ساختمان را شخصی تلقی نماید .»

ولی امیر آیدام میرزا در آرمی که زیر و بالای موضوع را خوب
 در مافوق و وارسی کرده بود سبب روس در ۲۵ صفر ۱۲۶۷ چنین جواب
 میدهد : « شرحی بنواب شاهزاده (مهدیعلی میرزا حاکم استرآباد و
 مازندران) نوشت که هر قدر خوب بکار ساختن انبار بر آب و بحار مزبور
 در آنجا داشته باشند از آنها اشیاع نمایند شرح ولایت و قدر ضرورت امر
 مزبور از همین قرار که با آن حساب اظهار شد (-) انجام و اهتمام خواهد
 یافت . اما در آنجا که جزء حاله پادشاه است آنجناب قدغن خواهد کرد که
 بحار بی ادن اولسی دولت علیه در آنجا اتمام ساختن (بنائی) نمایند .»

اینجا باید حمله ، جزء خالصه پادشاهی است ، بکار خواب خوشی
 و در هر چه بار شده و در ایشان حساست و در هر چه در سبکی و در او را باطل
 و بار .»

در هر چه معانی صریح ، بی حکه روسم دادند تا آب و بار و بار تجارت
 و سبکروی ، محتسب رود و اتفاق اتمام محمدولیخان سگله یکی استرآباد ساخته
 و قرار شد که آب مزحانه و حوالی بیز ساختند ، و این ساها را در رویه
 از قرار مالی قونسول و بجهت بهمان کمپانی تجاری در صفا اجازه دادند و
 اجازه نام در ۱۳ شوال ۱۲۶۷ بدو برگردانند .»

شرایط اجاره نامه این بود که دولت ایران ارباب و عمارت مسکونی (نشیمن) حمام و آشپزخانه را چهار ساله از فرار سالی دو بیست و پنجاه تومان ساخته ، تعمویل داده اجاره را در سه قسط یعنی در آخر هر چهار ماه یک تلت در یافت دارد و اگر حمام و آشپزخانه را نمیساخت فقط ۱۵۰ تومان میگرفت . عرمت ابنیه بعهده ایران بود ولی اگر ایران انجام میداد و وسای عخرج خود ساخته بابت مال الاجاره منظور میداشتند .

کمپانی مجاز بود که بنای تازه ای بسازد بشرط آنکه پس از چهار سال که مدت اجاره سر میآید بدولت ایران تعلق گیرد و مسکونی را بر آن هیچ نوعی حقوقی ثابت نباشد .

با دقت در مواد اینقرار داد باید گفت که اجاره نامه کاملاً معتدل میباشد و حقوقی از ایران سلب نشده و امیر در اینباب موفقیتی حاصل کرده است .
صورت اجاره نامه از اینقرار است

کمپانی ارباب جدید و مایتعلق بها را که عبارت از نشیمن و حمام و آشپزخانه که باید ساخته شود اجاره می کند که مبلغ دو بیست و پنجاه تومان هر سانه بدهد مشروط بر شرایط زیر .

شرط اول آنست بعد از آنکه همه ارباب و نشیمن و حمام و حیاتی عملیه جات و آشپزخانه را درست گردند و بتصرف سر کسکسک دادند چهار ساله اجاره نمایند در هر سال دو بیست و پنجاه بدهد و اول وقت اجاره بعد از دو بیست شدن نشیمن و حمام و غره باشد .

دوم اینکه وجه اجاره را در نلت سال سه قسط بدهد یعنی در چهار ماه چهار ماه .

سیم اینکه در طرف منب اجاره هر گاه حیاتی حیرات شود باید فوراً صاحب ارباب در عرمت و تعمیر آن بردارد و اگر تا آخر مدت از سر کسکسک خود درست کرده آنچه عخرج نماید از وجه اجاره موضوع و معصومت بنماید . چهارم اینکه قبل از انعام مدت اجاره سه چهار سال است صاحب ارباب ارباب و تعلق است آنرا بکس دیگر اجاره بدهد و نتواند عجم اجاره نماید . پنجم اینکه هر گاه کمپانی ضروری باشد بخواهد حیاتی یا مکانی علاوه بر آنچه که ساخته شده است بسازد و این مشروطه و این قسم است اجاره را بخواهد عخرج بخواهد کرد بشرطی که بعد از انقضای مدت اجاره همان ماندهگان علاوه ساخته سال صاحب ارباب بکس سواقی آنچه عخرج و همان دیگر در آنجا

باشد یعنی در میان آن مکان - ششم اینکه هر گاه صاحب انبار نخواهد بغیر از انباری که جدید ساخته است نشیند و مکان دیگر بسازد مانع نشده کمپانی خود خرج کرده خواهد ساخت ولی آنوقت اجاره انبار یکصد و پنجاه تومان خواهد بود دو یکسال - هفتم اینکه پل رودخانه که در پهلوئی انبار است و خراب شده است باید صاحب انبار آنجا را نیز سازد که تردد آسان باشد .

۱۳ شوال ۱۲۶۷

با شرحی که گذشت انبار و عمارت مسکونی از طرف ایران ساخته و تحویل روسها شد و اجاره نامه معتدلی منعقد و امضاء گشت ولی ساختن حمام و آشپزخانه بعد موکول گردید

در زمان امیر احداث مطبخ و حمام صورت نگرفت تا عهد اعتمادالدوله فرارسید و او که سیاست یک جانبه پیش گرفته بود با اشکال تراشی روسها مواجه شد . روسها دمبدم تقیه ای تازه ساز میکردند بناهای ساخته را بی دوام و مست قلم میدادند ، در هر جا که بسلیقه و نقشه خود عمارتی بر پا کرده بودند میخواستند از پرداخت مال الاجاره شاه خالی کنند و مبلغی که در قرار داد ذکر شده بود به پنجاه تومان تقلیل دهند . - پرداخت کرایه خانه کنسولگری را نیز عمداً بتعویق میانداختند - روزه ساختن بناهای تازه ای میکردند - قصد داشتند دولت ایران را به فروش انبار سابق الذکر وادارند ولی با پیس بینی که امیر کرده بود دولت توانست در مقابل روسها مقاومت کند و بدین استدلالات که « . . . آنجا کالا خالصه و ملک سرکار اعلیحضرت پادشاهی ارواحافداه است بملکی است یک مشب سفار آبراهه پنجاه هزار (۵۰۰۰۰) تومان بخواهند فروخت . » دولت ایران با فروش انبار موافقت نکرد روسها نیز بدون جلب نظر دولت ایران ساختن حمام و آشپزخانه ای که در اجاره نامه قید شده بود پرداختند . اعتمادالدوله که از قضایا مستحضر بیشتر محمد ولی خان ریگفر بیگی در حادی الاول

۱۲۶۸ چنین مسووسانه در حسب الامر همایون سنما مسووسیم که در طور اامت حساب مختارج این های همه در اجویا مسووسید والی در مسارا آخر آنچه خرج کرده اند موافق حساب نامه تسلیم داشته ضمن رسیدگی دیوانت نمائند . بعد از آن مسارا آنها از قرار اجاره نامه معترضه باجاره دهند و دست مصرف

آنها را ابداعی اخراجات بنای جدید کوتاه نماید که بهیچوجه من الو جوهر سخن حسابی در آن وارد نیاید و من بعد هم قدری بهتر از این مواظب و مراقب امورات باشید و کار های عموماً معظم را سهل نگیرید. و همچنین دستور صادر میشود که بنای انبار و عمارت مسکونی را معکم و استوار نموده رفع شکایت روسها را بنمایند. باری باینگونه مؤسسات بازرگانی روسها توانستند امنه روابط تجاری خود را در ایران گسترش دهند ولی سرانجام با اتخاذ سیاست خشن و نعرتناکی که در اواخر صدارت امیر پیش نهاد خود کردند دربار را رنجانیده و زمینه را برای توسعه نفوذ حریف کهنه کار خود ساخته و پرداخته نمودند. اما اینکه آیا روس ها نهیده و دانسته این رفتار را میکردند یا نه ؟ خود مطلبی است جداگانه

۴ - کرانه های بحر خزر یا داستان انزلی و آشوراده

تایمه سال ۱۲۶۷ روابط ایران و روسیه همچنان در محیط آرام و دوستانه ای سیر میکرد و افق صاف شمال حاکی از حسن تفاهم و نیکوئی روابط دولتین بود. ولی در اواسط این سال داستان آشوراده که بدست عامل اجنبی وقوع یافت روابط دو طرف را تیره ساخت و مشکلی برای ایران ایجاد کرد که تفصیل و سابقه تاریخی آن بدینقرار است

نخستین بار که روسها با آشوراده قدم گذاشتند در عهد صفویه سال ۱۶۶۸ - ۱۰۷۹ بود که عده ای از قزاقان جنوب روسیه بهانه تعقیب و اهانتی که سعادت آنها شده بود بمارندران تجاوز کرده طرح آباد را بیاد غارت دادند و چون قشونی از طرف ایران باخراج آنان پرداخت روسها با شورده پناه جست و عقب نشستند و مدتی در آنجا ماندند. از زمان فتح افغان و حکومت پطر کبیر و پس از آن عهد نادر شاه و آقا محمد خان این مسأله موجب کشمکش هایی بین ایران و روسیه بود تا اینکه بوقت زمامداری فتحعلیشاه رسید

مطابق فصل هشتم معاهده برکمن چای ۱۸۲۸ - ۱۲۴۳ که مطابق بافصل پنجم عهد نامه گلستان ۱۸۱۳ - ۱۲۲۸ میباشد دولت روس آزادی عمل کامل در بحر خزر داده شد که کشتیهای آن دولت آزادانه در کنارهای دریای مازندران رفت و آمد نمایند و در مقابل حق داشتن کشتیهای جنگی

۱ = سابقه مختصر آن در موضوع تأسیس بیمارستان و تجارتخانه گذشت

در بحر خزر از دولت ایران سلب گردید و فقدان قوای نظامی ایران میدان
بحر خزر را برای دستبردها و شرارت تراکمه خالی میگذاشت.

فصل پنجم پیمان گلستان:

« کشتی های دولت روسیه که برای معاملات بر روی بحر خزر تردد
می نمایند بدستور سابق مأذون خواهند بود که بسواحل و بتادر جانب ایران
عازم و نزدیک شوند و زمان طوفان و شکست کشتی از طرف ایران اعانت
و یاری دوستانه نسبت بآنها بشود و کشتیهای جانب ایران هم بدستور سابق
مأذون خواهند بود که برای معامله روانه ساحل روسیه شده بزمین بحر در
هنگام طوفان و شکست کشتی از جانب روسیه اعانت و یاری دوستانه در باره
ایشان معمول گردد در خصوص کشتیهای عسکریه روسیه بطریقی که در زمان
دوستی با در هر وقت کشتیهای جنگی دولت روسیه با علم در دریای خزر بوده اند
حال محض اذن داده میشود که بدستور سابق معمول کرده واحدی از
دولتهای دیگر سوای دولت روس کشتیهای جنگی در دریای خزر نداشته
باشند. »

فصل هشتم عهد نامه ترکمانچای.

« سفاین تجارت روس مانند سابق استحقاق خواهند داشت که بآرادی
بر دریای خزر و بطول سواحل آن سیر کرده بکنارهای آن فرو رسیده و
در حالت شکست کشتی در ایران اعانت و امداد خواهند یافت و همچنین کشتی
های تجارت ایران را استحقاق خواهند بود که بقرار سابق در بحر خزر سیر
صکرده و بسواحل روس آمد و شد نمایند و در آن سواحل در حالت
شکست کشتی بمان نسبت استعانت و امداد خواهند یافت. در باب سفاین
حریه که علم های عسکریه روسیه دارند چون از قدیم بالانهراد استحقاق
داشتند که در بحر خزر سیر نمایند لهذا همین حق مخصوص کمانی السابق
امروز ما اطمینان بایشان داده میشود پنجمی که غیر از دولت روسیه هیچ دولت
نمی تواند در بحر خزر کشتی جنگی داشته باشد. »

در سال ۱۶۵۳ — ۱۸۳۷ که معبد شاه خیال عزیمت سمت هرات داشت برای باز داشتن شاه از حرکت بسوی هرات در گوشه و کنار ایران فتنه و فسادهایی بر انگیزانند از قبیل غائله محمره و طغیان بختیاریها و غیره ضمناً تراکمه نیز فرصت غنیمت شمرده بنای شرارت و دست اندازی را گذاشته و امنیت بحر خزر را دچار اختلال کردند. و «قیات» نام رئیس ترکمانان جزیره چرکن را که دارای معادن نعمت است اشغال و ساکنینش را اسیر کرده بنده وار میفروخت این تجاوزات پی در پی تراکمه بتحریرک عمال انگلیسی امثال «ارتور» کونولی «۲» و دکتر «ولف» «۳» یهودی و «فریزر» «۴» و دیگران صورت میگرفت که با لباسهای مبدل در میان ترکمانان راه یافته و با ایشان سر و سری داشتند که شرح آنها را باید در حلال سطور سهرناه های خودشان یافت

بالجمله محمد شاه اردشیر میرزا را که مردی کار آرموده بود بر کوبی قیات مأمور کرد ضمناً از دولت روسیه نیز استمداد جسته تقاضای فرستادن دو سفینه جنگی سواحل جنوبی دریای خزر را نمود که تحت نظر و دستور اردشیر میرزا وارد عمل شود و تراکمه را سر کوبی کند. دولت روسیه تقاضای ایران را پذیرفته و چند ناو جنگی بکمک فرستاد. ولی اردشیر میرزا فعلاً خود را با شورنده و صابنده از آنجا جزیره چرکن حمله برد و بر کسرها را قلع و قمع کرده عده بسیاری از ایشان را کشت و صدمات بحر خزر را از وجود عناصر آسایش سوز و آشوبگر مصفا ساخت و بمباران در آن مراجعت نمود. سپس دولت ایران بدولت روسیه اعلام داشت که احتیاجی بوجوه کشیمهای آن دولت ندارد و لازم است که آنها را از ساحل استرامادس بخوانند. در همین ایام دولت انگلستان بر سر مسأله هرات و افغانستان با ایران از در جنگ و ستیز در آمد و جزیره خارک را اشغال نمود. روسیه هم که پیش ازین از مراجعت بدین گشتیهای خود امتناع ورزیده

۱ — Chelmsford

۲ — Conolly

۳ — Wolf

۴ — Fraser

چند سال بعد مجدداً تراکمه شروع بدست اندازی کرده بحر خزر را مورد تهدید قرار دادند و در سال ۱۸۴۲ - ۱۲۵۸ یکدسته از جهازات جنگی روسیه بیهانه جلوگیری از شرارت و تاخت و تاز ترکمانان بسواحل استرآباد، در کرانه جزیره آشوراده لنگر انداخت.

جزیره آشوراده بزرگ و دو جزیره دیگر که آشوراده کوچک معروفست در نزدیکی ساحل استرآباد و در امتداد شبه جزیره میاسگاله بفاصله ۱۲ میل از خلیج استرآباد واقع و نام آن مأخوذ از شهریست که در کنار خلیج می باشد. « استوبک » که شخصاً با آشوراده رفته و بدقت آن جزیره را مساحت کرده طول آنرا یک میل و ۶۴۰ پیس (۲۱۹۵ متر) و عرض آنرا سه ربع میل (۱۲۰۸ متر) ثبت میکنند ۲ و فقط از آشوراده بزرگ و کوچک نام میبرد ولی بعدها یک جزیره دیگر نیز بین آنها بدید میگردد که بنام « آشوراده وسطی » نامیده میشود که کرزن از آن یاد نموده است ۳ آشوراده چشمه های آب شیرین فراوان دارد و سطح آن شنی و ساحل آن عمیق و دارای نخته مسگهای بزرگ و بدین لحاظ برای ساختن بندر و لنگر گاه بسیار مناسب می باشد.

عملیات روسها در آشوراده در اساس دوستی آندولت با ایران خلل وارد آورد و حکومت ایران علیه اعمال آنان اعتراضات سخت کرد. و جداً تقاضا نمود که این میهمانان ناخوانده آن جزیره را ترک گویند ولی اعتراضات منطقی ما کمترین نتیجه مثبت نداد و زمانمداران روسیه در جواب این اعتراضات شدید با کمال خود سر دی میگفتند « ما در حسب دعوت شاه آمده ایم و عبور مسطور و معصود ما صورت نگرفته است چه حضور کشتی های ما در سواحل آشوراده فقط برای کمک بعالم است است است. زیرا ترکمانان اسباب رحمت و آزار سگنا این نواحی را فراهم آورده اند و البته وجود این سفاین معصوم و سرورست روسها با این طرز استدلال که عیناً سیه استدلال

P. ۶۰

Eastwick vol II P. ۶۴ - ۲

Carson vol ۱ P. ۶۵ - ۳

انگلیسها در عرصه صومخ برده فروشی در خلیج فارس میباشند دامنه عملیات خود را در آشوراده بسط داده بتأسیس عمارات جدید و مرئیخانه و سر بار خانه و بندر نظامی و لانگ گاههای سفاین جنگی مبادرت ورزیدند و همواره بیج کشتی جنگی ، امور حفظ سواحل آشوراده اموده بودند و پوشش و زیر مختار انگلیس « بیج های ایرانی و در آن جهت نهادن اهازه هم کت بی دادند »

نگاه تسل باید اضافه کرد که در راه را بیگلیسگی امری در اسرا بباد صادر می نمود و دریا گوی روس در آشوراه آنرا امضا می کرده است ۲ تا همه این احوال موجب روسها در آشوراده منزلت و مشکتونی شده و معط میده نفوذ آنان فراهم آمده بود

گرفتن از کتاب انگلیس و روس در شرق « آلبس هاری راولیسون » نقل میماند در سال ۱۲۶۲ - ۱۸۴۶ که روسها ساختمان هایی در آشوراده بر پا کرده و آنرا که راه یافته بودند ، دولت ایران از انگلیسها تقاضای مساعدت نمود که روسها را بتخلیه آشوراده وادار نمایند و بنا بر نقل همان کتاب انگلیسها در سال ۱۸۴۹ - ۱۲۶۵ که نشر میگردد ولی توفیق نیافتند *

روسها هم مانند خلیج گرگان حصبه طلوع دو جا بودند و این تفرقه در آشوراده را داشتند و چنانکه دیدیم در آنجا نیز در آنچه دیدند بصرف امتدادند که در مرداب انزلی و جنوب دریای خزر یعنی در فته خلیج اسرا بباد نیز اعمال نمود پیشری کنند باینجهت در سال ۱۲۱۲ از محمد شاه درخواست کردند فرمائی می نمودند و چون ورود کنند پای جنگی روس « مرداب انزلی صادر شود *

شاه و صدراعظم معاوضت کردند بطرد وزیر ارمن و سایر اعظم روسیه نامه معضلی در تاریخ سوم سپتامبر ۱۲۴۶ - شمال ۱۲۶۵ حاجی

۱ - کتاب انزال در احوال ۶۳ ، ۶۴ ، ۱۶ ، ۲۱۹
داداشتهای وزیر معیار انگلیس صدمه همان ۱ - صدمه ۳۲۹ - ۳۸۶
مراجه فرمائید

* نقل از « دور الهمین بیوردا » ص ۱۰۰ - ص ۱۰۱
* - ۱۸۴۶ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۲ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۳۴ ، ۳۵ ، ۳۶ ، ۳۷ ، ۳۸ ، ۳۹ ، ۴۰ ، ۴۱ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۴ ، ۴۵ ، ۴۶ ، ۴۷ ، ۴۸ ، ۴۹ ، ۵۰ ، ۵۱ ، ۵۲ ، ۵۳ ، ۵۴ ، ۵۵ ، ۵۶ ، ۵۷ ، ۵۸ ، ۵۹ ، ۶۰ ، ۶۱ ، ۶۲ ، ۶۳ ، ۶۴ ، ۶۵ ، ۶۶ ، ۶۷ ، ۶۸ ، ۶۹ ، ۷۰ ، ۷۱ ، ۷۲ ، ۷۳ ، ۷۴ ، ۷۵ ، ۷۶ ، ۷۷ ، ۷۸ ، ۷۹ ، ۸۰ ، ۸۱ ، ۸۲ ، ۸۳ ، ۸۴ ، ۸۵ ، ۸۶ ، ۸۷ ، ۸۸ ، ۸۹ ، ۹۰ ، ۹۱ ، ۹۲ ، ۹۳ ، ۹۴ ، ۹۵ ، ۹۶ ، ۹۷ ، ۹۸ ، ۹۹ ، ۱۰۰

بیرزا آقاسی نوشت

«جناب کنیار دالغور و کی وزیر مختار دولت بیهیة روسیه معین دارالخلافه طهران بدوستدار مکالماتی که باجناب سامی و اعلیٰحضرت شهرباری داشته در خصوص موانع غیر متوقع که از جانب دولت علیه ایران که کشی های آتشی ما بمرداب انزلیچی داخل بشوند بظهور رسیده معروض داشت عرایض معصله را که جناب وزیر مختار مادر این باب توسعه بود الادرناک دوستدار بغا کبای مبارک اعلیٰحضرت امپراطور اعظم معروض داشت و مضامین آنها موجب حیرت ملات انگیز اعلیٰحضرت امپراطوری گردید. بعد از حمایت عالی همت که دولت بیهیة روسیه در مدت چندین ساله بدولت علیه ایران نموده است و این همه دلایل آشکارای دوستی اعلیٰحضرت امپراطور اعظم نسبت باعلیٰحضرت پادشاه ایران آیا دولت بیهیة روسیه میتواند منتظر این باشد که جانب دولت علیه ایران اینگونه رفتار مخالف بروابط دوستی از قبیل قلعن صریح که کشیهای آتشی ما بآبهای انزلی آمد و رفت به نمایند بظهور برسد آنجناب استحضار دارند که عهدنامه مبارکه که تر کمان چانی سهایب هریه و به کشنیهای تجاری روسیه حق نامحدود سر آزادی در جمیع آبهای بحر خزر میدهد ازین حق عام استثنای مخصوص که بمرداب انزلی داخل داشته اشد در عهدنامه مذکور مندرج نشده است چون اینگونه استثنای مخصوص قرار داده نشده بناء علیه مواوی مضمون حقیقی عهدنامه مذکور سهایب روس آشکارا حق ثابت دارد که داخل مرداب مذکور شوند مثل همه خلیجهای بحر خزر بر هم زدن حقوق خود را از هر که بوده باشد دولت بیهیة روسیه انا نخواهد گذاشت و هرگز رخصت نخواهد داد و در هیچوقت متحمل نخواهد شد بالعرض که مانون صریح در باب سیر آزادی کشنیها قرار داده نشده است هم سیر مواوی قواعد تمام که در مدت چندین صدسال شراعت پذیرفته شده است و مساوی استوار جانب جمیع ملل و طوایف مشهور معروف متفق الرای معمول است سهایب هریه و آنها مرخص هستند که بدون ممانع داخل بندرات دول متعایبه شوند حتی محل احرام و امتیارات مخصوص میشود و عندالضروره از جانب کارگذاران مملکت دولت از هر نوع اعانت و کمک بهره ور و ممتاز میباشد بی قانون شریف مرتبه قایم و قهایب است که استثنای بسیار کم حائز میباشد

سند مردمان بدخواه را آشکار سازد

«بدخواهیکه در ابتدا مذکور شد که عدم ادب دخول کشی جنگی بند در
 حین صلح و صلاح در همه جاها تعرض آشکارا و علایت به بیدق آند دولت
 می دانند پس از این بعد اظهارات مشروحه اگر بر خلاف مأمور اولیای
 دولت علیه ایران در نایبانی خود موقوف کردن قدغن آمد و شد و کشمکشهای
 آتشی با برلی افعال نمایند ناسازی درك خواهند فرمود که و طبعه شریعه حفظ
 آبرو و سبک و ناموس ملت چه نوع تکالیف را نگرند ما وارد میآورد و چطور
 جواب که سایب آن میتواند باشد و در عهده خود اولیای دولت ایران خواهد
 بود این شرح را بعلت مضمون عمده خطیر اهل حضرت ولی العمی ام امیر اطور
 عظم باین سنده استقامت عدالت ارکان خود فرمایش ملوکانه فرمودند که بصحابت
 ملوک مخصوص آنجناب را ایفاء دارد باونیز حکم شده است که در آنجا
 منتظر شده از آنجناب جواب را بیاورد بر آنجناب مغفنی و مستور نماید که مضمون
 شرح جواب آنجناب تا اثر بلا واسطه بر مراد آید فیما بین دولت خواهد
 داشت و دوستدار امیدوار است آنجناب تعجیل خواهند فرمود که هر چه زودتر
 ممکن باشد ما را ارادتهای گران در آورند در خصوص تدبیراتیکه اولیای دولت
 علیه ایران نسبت بدولت پیه روسیه در این اوقات میخواهند بکار برانند بعد
 از اظهار همه مراسم مشروحه با آنجناب آنچه باقی میباشد است که اعتقاد واقعی
 خود را در اعتراف که نسبت آنجناب مشغی مکرر دارد بکار و بیان نماید»

شاهسلطیه دولت پیه روسیه در دارالسلطه بطرز مورخ تاریخ آشهر سبط مسر
 عرف سلوود ۱۲۶۲ هجری ۱۸۴۶ عیسی مطابق شهر شوال المکرم

بنا که ملاحظه میشود دولت روسیه بای استدلال خود را بر پیمان
 در امر جای نموده و چون آن آزادی عمل در بحر حرر را مطالبه میکند
 و میگوید آنکه در کوی کشتی های جنگی روسیه در داب اریلی بمانده است
 عدت آید و سلبی که بوده امع مراد بدست و این بعضی ساختمانی
 است و عدم استناد از مواد آن که حالا رفع شده است نمیتواند حقوق
 اعتبار را برده و در داد تحصیل شده است حلای وارد بیاورد علاوه این
 عمل اعم آدمیست و بشر فوسسی قلمه آدمیست و دولت ایران را بر معواض
 که در ارا تمام از تسخیر حقی بمع روسیه روی خواهند نمود

عذر میدهند و موضوع را يك مسأله ناموس و ننگ و « کستیون دوفرن » جلوه گرمیسازد و از بیم اینکه مبدا دولت ایران قراردادبنازها را برخ روسیه بکشد پیشهستی کرد آنرا استثنائی تلقی مینماید .

اصولاً مقاصد روسها نسبت ببحر خزر و بحر اسود بیکطور بروز کرد و وقایعی شبیه بهم موجود در خواستها و مطامعی از طرف آنهاست که لازم می بینم خلاصه این وقایع را گوشزد نمایم

در سال ۱۸۳۲ شکست سختی که قوای مصر بر عثمانی وارد ساختن باب عالی را بدامان روسها انداخت . تزار نیز موقع را مغتنم شمرده جہازات جنگی خود را بدفاع قسطنطنیه گسیل داشت و کمک لازم بسلاطین عثمانی رسانید . وعهدنامه « خوینکار اسکله سی » را نیز در ۱۸۲۳ بادولت عثمانی بست که بموجب يك ماده آن دولت عثمانی متعهد بود که بنازها در موقع لازم بر روی جہازات دول اروپا مسعود کنند و در نتیجه دریای سیاه پناهگاه آسوده و مستحکمی برای سفاین روس گردد . انگلیسها فوق العاده مضطرب شدند و خیال جنگ با روسیه را داشتند چکه فرانسه خود را عقب میکشید .

بالاخره با تفصیلی که باید شرح آنرا در تاریخ دیپلماسی اروپا دید انگلیسها مقصود خود را پس از چندی با عقد قرارداد بنازها در ۱۳ ژوئیه ۱۸۴۱ (۱۲۵۷) بدست آورد و بموجب این عهد نامه که دول مهم اروپا بر آن صحه نهادند داردانیل و بسفور تحت تسلط عثمانی شناخته شد و بیطرفی آن اعلام گردید و بر روی کشتیهای جنگی تمام دول بسته شد .

در بحر خزر نیز نظیر همین وقایع رخ داد . ایران چکه از تجاوزان ترکمن ها عاجز شده بود ، بانگاہ روابط دوستی از آنها کمک خواست روسها هم در مقابل در صدد تحصیل امتیازاتی در سواحل دریای بحر خزر بر آمده

تعاونت در این بود که کمک روسها برای عثمانی موثر بود و بموجب رسید ولی رای ایران بیوقف . متسپا دولت تسگری برای تأمین راهبند از عثمانی پشتیبانی میکرد و بهیچوجه واضی نمیشد بسفر و داردانی نسبت روسها بیعتن و حتی « پیروی از این اصل مسلم که « هر وقت یکی اثر حفاظ حساس امپراطوری انگلستان تهدید شود فوراً جنگ شروع خواهد شد » تبدیل حکم کریمه را میکردند با سیادت روسیه در بحر اسود حاکم میشدند

وای برای خاطر اثری هرگز این جمل را مسکرتند .

خزر انگلیسها چنین منافعی نداشتند بلکه برعکس برای تیره کردن روابط ایران و روس که پس از معاهده ترکمنچای محکم شده بود و در اوایل سلطنت محمد شاه کاملاً صمیمانه بود تحریکات میان تراکمه را لازم و ضروری میسر دند و رجال ناآز موده روسیه هم که مثل همیشه فریب حریف دیرینه خود را خورده با اقدامات خشم آلود و خشن و تهدید آمیزی که پیش می گرفتند در باره رجال، مردم ایران را ، دمیدم دل سرد تر و مایوس تر می ساختند . و خاطر شانرا بسنگ قهر و دشمنی میخستند

بالاخره دولت ایران نامه کنت تسلرد را مورد مطالعه قرار داده و جوابی مفصل در ذیقعد ۱۲۶۶ تهیه کرد که ما پس از نقل ؛ مختصر تفسیری در باب آن خواهیم نمود

در مراسم آمیخته بمهر و قهر که بحال امر قدر قدر اعلیحضرت قضا شوکت امیراطور اعظم بدوستان نگارش و مصحوب ملاگر (فرستاده) مخصوص ارسال داشته بودند توسط جناب جلالت و نبالت نصاب ربهة السفراء المسعیه معبان استظهاری پرنس دولقاروکی وزیر مختار آن دولت بیه واصل شد و مسطورانش را از فاتحه الی خاتمه بنظر تحقیق و تدقیق ملاحظه و مطالعه کرده استحضار کامل حاصل نموده و فوراً مراتب را عرضه حضور مهر ظهور اعلیحضرت قدر قدرت قضا شوکت شاهنشاه ولی نعمت خود رو خاندان داشته کمال تعجب و تعجب را از مضامین و مسطورات مراسم آن جناب حاصل نمودند و فرمودند این معنی بر همه اهل عالم هویندا و طاهر است که ما تا چه مرتبه اهتمام در حفظ شروط عهدنامه مبارک که تر که انچای داریم و انتظار امر دولت و رعایت رعیت و مملکت خود را در التیام و اتفاق دولت بزرگ همجوار خود میدانیم و دوستی امیراطور اعظم را بسیار با قدر و گرانبهاییم ساریم و راضی و راضی هستیم که بقدر ذره از حکم عهدنامه مقرره تخلف و انحراف نشود اما در باب دخول کشتیهای جنگی آتشی آن دولت سرداب انزلی که فیما بین دولت علیه و جناب پرنس دولقاروکی وزیر مختار آن دولت بیه گهنگو در میان است و از اینکه اولیای دولت علیه این دخول آنها را داشته اند آن جناب این معنی را حمل به بیعمر متی و تعرض آشکار به بیعت آن دولت بیه

کرده اند و جهتی کافی برای برهنگی شمرده اند فرمودند اگر در امور دایره بین الدولتین گفتگویی فیما بین اولیای حضرتین باشد نباید این معنی را حمل بر بیحرمتی نمایند و باعث برهنگی بشمارند چنانچه آنجناب مضمون فقره عهد نامه را باینطور تاویل کرده اند که مرداب انزلی داخل بحر خزر است و چون برای سیر سفاین حریبه آندولت بیهیه حدی نگذاشته اند حق دارند داخل مرداب مزبور شوند اولیای دولت علیه را سخن این است که بحر خزر نامیده شده است نه مرداب انزلی و مضمون فصل هشتم عهدنامه این است که سفاین حریبه آندولت بیهیه حق دارند کما فی السابق در بحر خزر سیر نمایند بطور وضوح معلوم است که مرداب را خارج از بحر خزر داشته اند باز مضایقه نداریم عهد نامه را میان بگذاریم اگر حق با ماست اولیای آن دولت بیهیه را چه حرف و اگر حق با امنای آن شوکت بیهیه است ما رایچه سخن و اینکه مرقوم داشته بودند آندولت بیهیه باید حفظ آبرو و ناک و ناموس ملت خود را فرموده ما هم باید رعایت این فقره را نمایم چنانچه مکرر نوشنیم و گفتیم که با وصف اینکه جناب خراف مدم کاعده دولتی داده است سفاین حریبه آندولت در بحر خزر تردد دارند نه نوعی و داخل جزایر متعلقه باین دولت علیه نخواهد شد سفاین حریبه آندولت بیهیه بدون اذن و استرضای این دولت علیه در قلنق استرآباد و عاشوراده لشکر اقامت انداخته اند و جزیره مزبوره را متصرف شده اند جا و مکان ساخته اند با چراها گذاران آندولت بیهیه تجار تبعه این دولت علیه را منع از بیع و شرای امریه محصوره ایران نمایند و اموال آنها را ضبط می کنند و علاوه از و حه گسرتک بپنجهن حبیفه آثار آنها پول میگیرد و تعدیاتی که تحصیل آن مایه اظناب است اینک مرقوم داشتند این توپهائی که در کشتی آتشی هستند نتوانند بیچوجهی من الوجود دلیل بر این شوند که دخول آنها در مرداب قدغن شود بجهت آنکه کشتی و تجارتی که در مرداب لشکر می اندازد نیز و ب دارند که آنها ضرر و و راجع دارند در حین سیر از سارقین بحری محفوظ باشد میفرمایند اگر این عهد معمول است که کشتیهای تجاری آندولت بیهیه حق تساری دارند در امر آلمان و و داشتن توپ می نمایند

و دیگر آنجناب در هم داشته اند در سواحل دیالین و سیر و سیران و استرآباد در این اوقات آه ناله و زاری و مایوس ساکت شده و گریه اهل آنجا

که از چپاول سارقین و حرای و خونریزی بر کمانیه خشک شده و در سواحل
ایران کمال رفاهیت میباشد باید این بهت‌های بیکران را بحمايت پر زور و
جانمشانی بی نظیر اهالی سفاین دولت بهیه روسیه حمل نمایند مپرمایند بعد
از آنکه ترکمانیه اهالی سفاین دولت بهیه روسیه را در آفرضه مقتدر و حکم-
ران و مسبوحا البه دیدار و بلیط مرور و عبور با آنها دادند و بکلریبگی استر-
آباد را بی رجوع و مسلوب الاختار شناخته بصوری جسارت وریدند و پای
طغان و عصان را پیش گذاشته و چندین دفعه بر سر بیگلر بیگیان استرآباد
هجوم آوردند که اولیای دولت ماهر را لابد کرده اند بمشارج کیره که لشکر
کشی و خونریزی ها نمایند و آنها را تنبیه و تأدیب کنند کجا اهالی فرضات
از شرارت ترکمانیه آسوده مانده اند از اینها گذشته مکرر اولیای دولت علی
هوای آندولت بهیه اظهار کردند و نوشتند که بسیار اتعاق می افتد که دولتی
از حقوق خود ساس دوستی دولت دیست خود میگذرد چنانچه دولت علی
از حقوق خود که در باب مهاجرت داشتند و این فقره هم وعده عهدنامه مفرد
بود نظر بدوسنی آن دولت بهیه گذاشتند و سالدانها تیکه فرا رآبایند دولت
سلطه آمده و پناه جسته بودند رد کردند خواهش داریم که معاملات و مراودت
باصبرانه و آه که برای آندولت علیه ضرر فاحش دارد موقوف دارند قبول نه
کردن و ما را بحسارت و رحمت زیاد انداختند دیگر نوشته بودند که دخول
سفاین حریمه آندولت بهیه در حالت صلح در هیچ بندری و خلیجی و مردابی
از سال منجابه ممنوع نیست و مثال ندارد مثل بغار اسلامبول رده بودند که
کشتیهایی جنگی آندولت بهیه و دولتهای دیگر داخل میشود جواب فرمودند
در صورتیکه هم چنین باشد آنها حکم علیحده دارند زیرا که اولاً آندولت
ممنوع از داشتن کشتی خود در آن بندر و خلیج (هستند) بیه بندر تانیا بنادر خود را
چنان قلاع محکم و توپخانه مستحکم کرده که بتوانند در وقت ضرورت خود در آن محفوظ
مانند هیچیک ازین دو طرفه برای دولت علیه مقبول و همیشه بآمده است برای
رعایت عزم مملکت داری حفظ حقوق خود را لازم مسما در دیگره قوم داشته
بودند چرا سفاین حریمه طول معارفه در هر وقت درین مسامت داخل بحر العجم
ممنوع و بندر او نشور سرود می آید و در آنها خراف مردم وزیر محتار
مابق آندولت بهیه کشتی جنگی دولت بهیه انگلیس را دیده که انگرانها اختار
اصول فرمودند اولاً انگر گاه بندر ابوشهر با خشکی قریب به بیست مایل مسافت
دارند برنگ مسکی نیست هیچ کشتی جنگی در آن بندر نگذرد مگر باقی

و بطیل و بکارهای کوچک ثانیاً ایندولت علیه ممنوع از داشتن سفاین حربیه در آن بحر نیستند و هیچ دولتی در آن بحر شرکت ندارند و پیوسته در فکر داشتن چند فروند کشتی جنگی در آن بحر هستند و حاضر خواهند کرد در وقت ضرورت محافظت بنادر و جزایر خود را نمایند ثانیاً آمدن سفاین حربیه دول مختلفه بآن بحر بسیار بدست اتفاق می افتد و اگر آنها نیز بتخلیج ما مردابی و خشکی نزدیک شدند البته ممنوع خواهد شد و ایماً اولیای دولت علیه مدتهاست در فکر استحکام قلعه بندر اوشهر افتاده اند و آنجا را چنان کرده اند که تواند در وقت ضرورت خود را محافظت نمایند خلاصه فرمودند اگر مرداب انزلی را موافقت عهد نامه مقرر در داخل بحر بره میدادند دیگر چه ادنی و کاغذی از ما میخواستند؟ و اگر بیست چراغین بدهیم یا عهد تازه بدهیم زانکه ما تجربات بسی کردیم در باب تصرف جزیره عشوراده و غیره امتحان سویدیم فرمایشات اعلیحضرت قدر قدرت قضا شوکت شاهنشاهی صان الله شوکت عن التناهی از فرار تحصیل بود با آنجناب ابلاغ نموده اگر باین فرمایشات اکتفا میشود پس از آن جناب توقع دوستانه مینماید که رحمت کشیده از حساب سنی- الجواب امیر اطوری حکم برای جناب وزیر مختار و حکام عرض راه صادر نمایند که بلیط جواز برسد و سیدار که خیر خواهد خواند و این و دعا گوی حضرتین است بدهند که خود حضرت زبور غ آمده غر لاطوسی حضرت امیر اطوری حاصل کرده با آنجناب دوست مشفق مکرم نیز در محاسنی ملاقات کرده آنچه در خیابای صمیم دوستی تخمیر مکنون است بفرموده شهود در آورده و بعد از حصول ملاقات حسن اهتمام بیکدیگر باز دیده روابط اتحاد و اتفاق دولتی علیه بن برداشته معاونت نماید رحمت کشیده جوابی مرفوم دارند که در ستندار تکلیف خود را میدادند اما پیش از آنکه نعمت مواصالت دست دهد و با آنجناب ملاقات نماید بطور دوستی اظهار مینماید و از آنجناب سوازه میسازد که آیا دولت میباید روسیه مرداب بطرف زبور ع را داخل بحر التیاک مینماید و این دارند که کشنیهای جنگی دول متعاهده از کرن اشتاد داخل آن مرداب شوند که اولیای دولت علیه این بدهند کشنیهای جنگی آن دولت بجهت داخل مرداب انزلی شو سهر گاه مرداب بطرف زبور ع داخل بحر بالتیاک مینماید و حق ندارد سفاین حربیه دول متعاهده از کرن اشتاد عبور نموده داخل مرداب شوند پس بده نوعی است که از اینده لک علیه دارند مع دولت امیران و سیدار که دولت خواهد اراد کش

دولتین است بآندوست مکرم محترم اظهار میدارد که آنچه حقیقت و راستی است اعلیحضرت قدر قدرت پادشاهی ابدانته عیسه و اید جیسه کمال اطمینان و خاطر جمعی بدوستی و انصاف بزرگانه اعلیحضرت قدر قدرت امپراطوری دارند: تشکیک و تردیدی در مراتب اتحاد دوستی اعلیحضرت امپراطوری ندارند و در انجام خواهشهای آندولت بیهیبه بیچوجه مضایقتی نمیفرمایند ولی چندی است که از کار گذاران آندولت بیهیبه پاره حرکات صادر و ناشی میشود که مخالفت صریح بعهدهنامه مبارکه دارد و اولیای ایندولت علیه را در توهم و توحش انداخته اند که البته آن حرکات بعرض حضور اعلیحضرت امپراطوری برسیده است. از جمله چند سال قبل از این اولیای دولت علیه از امنای آنشوکت عظیمه فخمیه خواهش کردند که چون دولت علیه در بحر خزر نمیشوایند کشتی جنگی نگاهدارند برای چند وقتی دوفروند کشتی جنگی بدولت علیه بدهند که با قشون خود اشرار تر کمایه رعیت خود را که از خشکی بدویا فرار می نمایند تنبیه کنند کار گذاران آندولت بیهیبه همین را دست آویز کرده چند فروند کشتی بعشر راده که ملک الیمین دولت علیه و محل گمر کخانه قدیم بوده آورده و در آنجا لنگر اقامت انداخته دست تصرف مالکانه دراز کرده در آنجا بیمارخانه و حمام و باغچه و بیوتات بنا نهادند و نوب و دیگر آلات حرب در آنجا گذاردند سهل است رعایای تبه ایندولت علیه را در آنجا راه ندارند. و دیگر قونسولهاییکه برای امر تجارت و حمایت دولت بیهیبه خود بولایات ایران مأمور و تعیین شده اند بخصوص در گیلان چنان دست تجاوز و تعدی را دراز و آبروناهی آنولایت شده است که حاکم را بیچوجه تسلطی نیست لطف و عنف هم بدست اوست بهر کس از تبعه دولت علیه میخواهد بلیط رعیتی میدهد و در محبت حمایت خود نگاه میدارد بهر که میخواهد تنبیه و تعزیر میکند این اسامیهائی است که باعث وحشت و سوره طن اولیای دولت قاهره شده است و آلمین سفاین حربیه بمرداب را هم بگونه تسلطی برای رفتار آینده آن قوم نمول می شمارند علم الله تعالی که ایندوست صادق الولا آنچه گفته و نوشته است خیر دولتین و صلاح حضرتین را خواسته است و میخواهد و هیچ وقتی منظوری جز از دیاد اتحاد شوکتین فخمیتین نداشته و ندارند اگر آنجناب بحسب انصاف در مقام رفع اسباب توحش اولیای این دولت علیه و آیند و ما دوستدار شوکت نماینده انشاء الله گفتگویی و گله فیما بین دولتین بهیستن باقی نخواهد ماند باقی ایام جلالت مستدام باد

استدلالات حاجی میرزا آقاسی از این قرار است.

۱ - مضمون فصل هشتم عهدنامه اینست که سفاین حریمه آندوات حق دارند که کفافی السابق « در بحر جزر سیر نمایند و باستناد لغت « کفافی السابق » چون سابقاً کشتیها در مرداب انزلی نه آمدند پس بعد از این هم نستوانند ساینده

۲ - « گراف مدم » بمعاقد دولتی داده بود که سفاین بحریه در بحر جزر « نرود » خواهند کرد تا « توقف » پس - را سفاین آندولت در فلتق استراباد و آشوراده لشکر توقف انداخته و جزیره شمره را اشغال و سرنگاه رودخانه

۳ - اگر دولت روسیه « حق دارد کشتیهای باروگانی خود را بوی روسیه بفرستد چنانچه کشتیهای تجاری ایران از این حق محروم ماندند و حال آنکه از این لحاظ در تمام حقوق مساوی میباشد

۴ - رجو عساکر بحری شما باعث اسیب و آسایش « روسان در بنای خار بدران نسیم است بلکه در استراباد موجب عارت و جنجال گردیده است
۵ - ما در مقابل آزار کردن و تسلیم هواجرین و مسائل آتشی مراری روسی تقاضا کردیم که مقامات و وزارت نامه آندمه توقف دارند و ول نگرند
۶ - اگر کشتیهای جنگی هم دولت در هنگام مسلح در راه صادر رفت در آمدن بکنند برای بهانه اسلحه و در آنجا و مسائل دفاعیه مهم است و آن حکم علیه روس داده

۷ - چون لشکر گناه در سیر احمشلی در نرسه لاده ما را دارد اصلا کشتیهای جنگی ما را در برابر خود در روسیه نگاه ندارند و حکم عهد است و علاوه بر این از دانش که سپاهای جنگی روسیه و ما هم در سطح است و ولی در بحر خرد این معنی را به ما رساند کرده

۸ - اسلحههای انگلیس را در این موارد « ما را در این بحر جزر است دیگر سیرا آدن و کمانه را ما مستحوذ کرده اگر « ما این مستحکم را نیک

ما تخریبت بسی کردیم و در مورد آشوارده اندرز آموخته ایم
۹ - - اگر این تفصل افشاع آور بست خود بطرز بودك آمد
و در مجلسی باین امر رسیدگی کنیم

ما حاجی با استدلال استحصانی پرداخته میگوید

۱۰ - آب دولت روسه اجاره میدهد که کشتیهای جنگی دول داخل
مرداب بهار بودك که جزو بحر النيك است بشود ماه ۹ - اگر نمیدهد
چرا این را از ما میخواهد و حال آنکه حکم بحر سزر و التيك و دو
مرداب یکی است

۱۱ - - سعید و راهی ایست که مندیست - در گابی از عمل آن دولت
مطهر میرسد که مردی در حسن نیت روسیه بایران ایجاد کرده و ساعت
و همانی شده است از جمله اشغال آشوارده و تصرفات مالکانه است که در
آن مسایله و دوت و حمام و بیمار خانه ای که در آن جا بنا نهاده اند .

علاوه بر این مطالب و نندی هائی که قسول های آن دولت بخصوص
رسول کیلان معمول داشته که در هر آنجا که تاجیکت روسیه رسیده بطیغار عینی
میدهد و البته آمدن کشتی جنگی در انزلی موجب تقویت خلافت روسیائی
میگردد که کسول روسی در کیلان پیشیاد خود کردند است
یکی دو جای ماه حاجی قابل اتمام است .

یکی آنجا که مسوید ۶ اعظم حضرت پادشاهی در انجام خواهد
شای ایشوت پیدا بهیچوجه مصالحتی منفر مایند ، هتق آنکه از سناق
عبارت میشود آن جواب که فاشی عاقبت تسلیم خواهد شد
بیکر از اسماعیل بی سروای لغت صرف در مورد جزیر
آه و رانه است

از آنجا که هم این نامه به میل کمال مدظعی و املا لای و محسن
و ستم بهر دیند از من و حاکمه کرده - بهای کپه و نو نیرات - روسیه در
روی شایر و رنده رها از با سجاد مأهول رسد آسموات را به ریخ میسکند .
است که انگلیس ، ژوئی و سکا به سعی دارند رانه رسد حاجی و هر

آقاسی را تحقیر کنند بوسیله می‌کنیم نامه مزبور را بکیار دیگر بخوانند شاید در گفته خود تجدید نظری روا دارند.

پس از ارسال نامه فوق با آن استدلالات قوی و براهین منین وزیر مختار روس بفعالیّت می‌پردازد و حاجی نیز معلوم نیست از چه رو از نوشته خود عدول میکند و بطرز زورک نمی‌رود. وزیر مختار مطالبه صدور فرمان پادشاهی در باب احازه ورود کشتیها میکند حاجی که حالا راضی شده است به وزیر مختار جواب میدهد «دوستدار قدغن کرد موافق خواهش آن جناب ملفوفه فرمان نوشتند (نوشته؟) لکن اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی از دوستدار سؤال فرمودند که معلوم است هر وقت کشتی جنگی آندولت بهیه سرداب انزلی می‌آید یکفرود بیشتر نخواهد بود. آبا چرا در ملفوفه فرمان مبارک قید نشده است که هر وقت کشتی جنگی آندولت بهیه باطلاع سرحدداران انزلی سرداب آنجا می‌آید یکفرود زیاد نخواهد آمد. حال در اینباب جوابی مرفوم دارید که مراتب عرضه حضور اقدس همایون پادشاهی داشته فرمان همایون را صادر کرده زرد آنجناب ارسال دارد» ۱ وزیر مختار از قبول چنین تمهید و دادن نوشته ای امتناع نموده اظهار تأسف میکند که این امر از «دستور العمل دوستدار خارج است» ۲

حاجی که اینجا هم مقاومت بر مسجورد عادل را گم کرده چنین پاسخ می‌دهد

«رقعه آن جناب واصل شد و مضمونش را عرض اعلیحضرت پادشاهی رسانید فرمودند اگر منظور این است که دولت‌های خارج پادشاهان احراز از دولت بهیه روسیه بعمل آورده ایم که قبول گریس نماند هر وقت کسی جنگی آن دولت بهیه در آمدن سرداب انزلی گاهی است و رفته از آن فرود آمدن مانجا لزومی ندارد و اگر رفته از آن فرود نخواهد آمدن بههم در حالت مصالحه و انعقاد دوستی درست است و اگر موصود از آمدن چهار پنج فرود

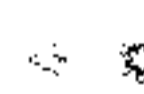
۱ - اسناد سیاسی - کاندیکه حاجی نوروز مختار روسیه در ۱۵ شهر
دیسمبر ۱۲۶۲ نوشته است
۲ - اسناد سیاسی

کشتی جنگی بانجا جنگ است آنرا هم بدانیم . فرمایش اقدس ملوکانه این
و در که بان جناب اعلام شد . »

ولی این کوششها نتیجه ای نداد روسها همینکه حاجی را در مقابل
قاضای اولی خود تسلیم نمودند بر شدت آن افزوده و تا آخرین استفاده را
از موقع میبردند دست بر نیداشتند این بود که حاجی نعت فشار متعدیانه
وسیه با ورود کشتیهای جنگی روسیه با نزل موافقت کرد و در ۲۶ ذیحجه
۱۲۶۲ دستور ذیل را بمحمد امین خان بسگریگی گیلان و میرزا ابراهیم
خان سردار انزلی میدهد

« عالیجاه مقرب الخاقان مخدومی . . . در اینوقت اظهار میشود که
در وقت کشتیهای جنگی آتشی دولت بهیه روسیه بمرداب انزلی میآید بهیچ
وجه من الوجوه مانع و متعرض آنها نشوند و گذارند که با نزل و مرداب آنها
بیاندا المته آن مخدوم در قراری که نوشته شده است معمول دارند در حاشیه عبارت
بل نیز اضافه شده است . « مقرب الخاقان مخدوم هر وقت کشتیهای جنگی آتشی
دولت بهیه روسیه آنها میآیند کمال احترام به بدی کشتیهای آندولت بهیه نمایند . »
منظر ما رفتار حاجی قابل انتقاد سخت است چه اگر او برای مذاکره
در بطور بدو رخ حرکت میکرد و از امیر اطور دستور صدور « تلیم مسافرت »
میخواست و باین بهانه از رفتن طفره میبرد و با آن دلایل منطقی قوی که
بر او کرده بود در عمل هم مسا طوره محکم می ایستاد و بنگ محیط حسن تمامه
بر ایجاد مینمود از این معر که بیروزمند بیرون میآمد .

مسئله ایران در اینصووع بیشتر ضرر تلون و سست عمری حاجی را
کشته است .



با آنچه گذشت معلوم شد که روسها بعد از چه عوامل و دلایل روش
بصهاره نگیری نوا حمله امسار امگر انداختن کشتیهای جنگی خود را در
دانه ایرانی و احاره ای بار جانهای در زدیکتی مناطق خلیج استر آباد از
و آن ایران بگیرند .

حال چنین، انعکاس این سیاست دوست آزار و دشمن دوستها و تسلیم اجباری ایران بشع چه دولتی تمام شد؟

برای اینکار باید پیش و پس واقعه را یادآوری کرد و سنجید. پس از آنکه روابط سیاسی ایران و انگلیس در زمان محمد شاه قطع گردید، روابط ایران و روسیه کاملاً صمیمانه بود تا اینکه مجدداً انگلیسها توانستند رابطه سیاسی خود با ایران برقرار سازند چون این تجدید روابط بر بیشتر بوی اجبار و تهدید داشت در سالهای اول در روابط روس و ایران چندات مؤثر نبود ولی دیری نگذشت که «فرانت» خود را بجای نزدیک کرد و انگلیسها موفق شدند در روابط ما و روسها برودتی ایجاد کنند یعنی مسأله آشوراده و انزلی را پیش کشند، که در نتیجه دولت ایران را قدری از جانب روسها منحرف کرده بسوی خود منحرف سازند و اینکار را نیز کردند و با کینه غریبی که محمد شاه از انگلیسها در در داشت و با اینکه اعمال بلید و نرنناک «مکنایل» را مضطرب داشت فرانت آنقدر خود را بجای میزرا آقاسی، که دیگر از روسها رهمیده بود، بردن ساخت که حد اکثر استفاده را از موضوع آشوراده و انزلی برد یعنی بدون هیچ رنج و دحسی فرمانت منع برده فروشی در خلیج فارس را از ایران گرفت و حریف سیاست خود را بیخبر و بناهنگاه مات نمود.

«خواهش دوستانه» انگلیسها راجع صدور فرمان منع برده فروشی ظاهر بسیار آراسته ای داشت ممتها این فکر پاک و بی غل و غش فرانسوی وقتی وسیله دست استعمارگران انگلیسی قرار گرفت بهانه آدمیت پسندی برای تهوق و سادت و نظارت دریائی آنها گردید، دربار محمد شاه که شاید نمیتوانست معز مطلب را بشکافد و که آنرا همید اگر هم در ابتدا مخالفتهایی میکرد بیشتر جنبه مذهبی داشت «مآل» پیشی سیاسی و ممبرانه، ما چون در غش آتی برای بحث در موضوع برده فروشی جهانی «راخمر» میدان آزادی داریم پیش از این بقلم مریدان سیدسهم و فقط میگویم صدر اعظم ایران (حاجی میرزا آقاسی) با این فرمان مسأله و سجات خلیج فارس را مؤدبانه برای رعایت دوستی نکند فرانت کاردار انگلستان تسلیم کرد و